

محل مهر آموزشگاه:	باسمه تعالی	
	شماره داوطلبی:	اداره کل آموزش و پرورش خراسان شمالی
	نام و نام خانوادگی:	سوالات امتحان هماهنگ پایه نهم
	نام آموزشگاه:	نام درس: املاي منشي دار
شهرستان/منطقه:	توبت: خرداد - صبح	تاریخ امتحان: ۱۳/۰۳/۱۴۰۰
		ساعت برگزاری: ۱۰:۳۰
		مدت امتحان: ۳۰ دقیقه
		تعداد صفحه: ۱
ردیف:	بارم:	

دانش آموز عزیز متن زیر را بخوان و غلط های املايي آن را پیدا کن و درست آن را بنویس

در زمین نگاه کن که چگونه بسات تو ساخته است و جوانب وی فراخ گسترانیده و از زیر سنگ های سخت اب های لطیف روان کرده .

مساجبت با یک دوست خوب و شکیبیا همچون ورزش نصیم دل انگیزی است که احساس آرامش و سبکی و سفای درون را در ما زنده می سازد .

آدمی باید که بسیار نگوید و سخن دیگری به سخن خود قطع نکند و در مهاورانی که به حضور او میان دوکس رود خوظ ننماید.

ای ابوزر عیادا با برادر مسلمانان قهر کنی زیرا کردار شایسته در هنگام قهر به درگاه پروردگار پذیرفته نمی شود .

اگر آدمی را هرگز دردی نمی رسید و به چه چیز ترک می کرد گناهان را و به چه چیز مهربانی می کرد به مردم و صدغات می نمود به مساکین.

روباه آهی کشید و گفت زندگی من یکنواخت است ولی تو اگر مرا اهلئ کنی زندگی من چون خورشید خواهد درخشید و آنگاه با صدای پایی آشنا خواهم شد که با صدای پای دیگران تفاوت خواهد داشت .

..... (۲) (۳) (۴) (۵)

..... (۶) (۷) (۸) (۹) (۱۰)

محل مهر آموزشگاه:	باسمه تعالی	
	شماره داوطلبی:	اداره کل آموزش و پرورش خراسان شمالی
	نام و نام خانوادگی:	سوالات امتحان هماهنگ پایه نهم
	نام آموزشگاه:	نام درس: املای فارسی
شهرستان منطقه:	نویس: خرداد - صبح	تاریخ امتحان: ۱۴۰۰/۰۳/۱۳
بارم:		ساعت برگزاری: ۱۰:۳۰
		مدت امتحان:
		تعداد صفحه:
<p>نگاه کن مرغان هوا و حشرات زمین را هر یکی بر شکلی دیگر و بر صورتی دیگر و همه از یکدیگر نیکوتر هر یکی را آنچه به کار باید داد.</p> <p>در جهان وزندگی کنونی افرادی که شبکه ارتباطی گسترده و دوستان فراوان دارند در برابر دشواری های زندگی موفق ترند و سلامت روانی و جسمانی بهتری دارند .</p> <p>داد ده تا داد یابی خوب گوی تا خوب شنوی اگر طالب علم باشی پرهیزگار و قانع باش و علم دوست و بردبار.</p> <p>ای ابوذر مومن برای رهایی از گناه و نافرمانی بیش از گنجشک در قفس تلاش می کند.</p> <p>پس نمی بینی که خداوند حکیم حافظه و فراموشی را در آدمی قرار داده و هر دو ضد یکدیگرند.</p> <p>چون شاهزاده کم کم به خواب می رفت به راه افتادم با خود گفتم چیزی که از وجود این شاهزاده مرا تا این درجه مفتون خود می سازد وفای او نسبت به گل سرخ است .</p> <p>آدمی باید که بسیار نگوید و سخن دیگری به سخن خود قطع نکند و در محاوراتی که به حضور او میان دو کس رود خوض ننماید.</p> <p>اگر آدمی را هرگز دردی نمی رسید به چه چیز ترک می کرد گناهان را و به چه چیز مهربانی می کرد به مردم و صدقات می نمود به مساکین.</p>		